



# دانش آموزانی که از شبکه‌های اجتماعی بیشتر یاد می‌گیرند



گفت و گو با

دکتر حمید یزدانی،

مدیر کل دوره متوسطه اول

گفت و گو کننده: محمدرضا حشمتی



یکی از ویژگی‌های خاص شغلی ما معلمان این است که در دوران خدمت و حضور در کلاس درس، تنوع و تغییر نسل‌ها را بیش از سایر مشاغل فهم و درک می‌کنیم. برای ارتباط با کودکان و نوجوانانی که امروز در کلاس‌های درس میزبان آنان هستیم، یکی از مهم‌ترین دانش‌ها و مهارت‌ها، شناخت مخاطب است. بر این اساس، با جناب آقای دکتر حمید یزدانی، مدیر کل دوره متوسطه اول سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای شناخت نسل حاضر در مدرسه‌ها و چگونگی ارتباط با آن‌ها به گفت و گو نشستیم.

ما هیچ‌گونه‌ای از این تفکرها را به‌صورت عمیق نداریم. از دانش‌آموزان امروز ما، تحت عنوان نسل زد، نسل آلفا و نسل بتا یاد می‌کنند. به این‌ها دانش‌آموزان «گیمر» می‌گویند. دانش‌آموزانی که از شبکه‌های اجتماعی بیشتر یاد می‌گیرند، وقتی این قبیل شبکه‌ها را تجربه کردند، از آموزش‌های سخنرانی و آموزش‌های یک‌طرفه معلمان تقریباً لذتی نمی‌برند. به همین دلیل دوست دارند تعامل دوطرفه داشته باشند. سؤالی را پاسخ دهند و باز خورد سریع بگیرند، و همین روال را تا آخر ادامه دهند.

## ● جناب آقای دکتر یزدانی، به نظر شما دانش‌آموزان امروز مدرسه چه ویژگی‌هایی دارند؟

دانش‌آموزان متوسطه اول که تأکید بیشتری دارم و دوره دوم ابتدایی، روی مباحث تمرکز عمیق ندارند! خیلی سطحی‌نگر هستند. دستیابی آن‌ها به حوزه اطلاعات بسیار زیاد و خیلی خوب است، ولی متأسفانه نسبت به اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده‌اند تحلیل خوبی ندارند. متعاقباً روی برداشت و تحلیلشان هم تفکری نخواهند داشت. طبق برنامه درسی ملی، مبنای اول بحث تفکر است.

## هویت‌یابی

نکته بعدی بحث هویت‌یابی دانش‌آموزان است. در متوسطه اول ما سه مأموریت داریم: هویت‌یابی، استعدادیابی و هدایت تحصیلی. نکته مطرح این است که بچه‌ها روی هویت خود خیلی مستحکم و پابرجا نمی‌مانند و متأسفانه با اندک بادی، اندک پیامی یا اندک نسیمی هویتشان تغییر می‌کند. به همین خاطر تغییر در گفتار و ظاهر بچه‌های این نسل را زیاد می‌بینیم.

بچه‌های این سن و سال بی‌احترامی، بی‌عدالتی، رفتار دوگانه برخی معلمان نسبت به خودشان و بعضی از هم‌کلاسی‌هایشان را بر نمی‌تابند.

به همین دلیل خیلی باید رعایت و دقت کنیم که بین بچه‌ها تفاوت قائل نشویم. این تمایزها برای آن‌ها پذیرفتنی نیست.

نکته بعدی درباره این دانش‌آموزان، دیده و شنیده شدن آن‌هاست. الان در مدرسه‌ها و خانواده‌ها متأسفانه بیشتر می‌گوییم تا بشنویم. در حالی که بچه‌ها بیشتر دوست دارند بگویند، تا ما بشنویم. این تعارض‌ها که ایجاد می‌شوند، متأسفانه بچه‌ها از دست خانواده‌ها و مدرسه‌ها خارج می‌شوند و دیگر مرجعیت ما را نمی‌پذیرند.

### ● به نظر جناب عالی، معلمان برای ارتباط با دانش‌آموزان امروز باید چه دانش‌ها و مهارت‌هایی داشته باشند؟

معلمان باید این نسل را خوب بشناسند. یعنی نیم‌رخ روانی و وضعیت جسمانی این بچه‌ها را خیلی خوب بفهمند. توجه داشته باشیم، وقتی فشار روانی و اضطرابی به این بچه‌ها وارد می‌کنیم، یادگیری آن‌ها به‌طور جدی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و مختل می‌شود و ما با ترس و اضطرابی که به جان بچه‌های مردم می‌اندازیم، نمی‌توانیم آموزش‌هایمان را پیش ببریم.

نکته بعدی نقش خواب و تغذیه بچه‌های این نسل است. ما معلمان باید بدانیم که در ارتباط با این موضوع‌ها چگونه با بچه‌ها گفت‌وگو کنیم تا بچه‌ها مطالب ما را بپذیرند و بخواهند رفتار خود را اصلاح کنند. غذاهای فوری الان خیلی نگران‌کننده‌اند و معلمان باید مداخله جدی کنند. این را هم باید دقت کنیم که وقتی اضطراب بچه‌ها زیاد شود، چندان دنبال عزت‌نفس و کرامت نفس هم نیستند.

در مورد بحث استعدادیابی و هدایت تحصیلی باید بگوییم که بچه‌های ما نسبت به شناخت خودشان چندان عمیق نیستند. خودشان نمی‌دانند چه

استعدادی دارند و چه استعدادی ندارند و ما معلمان باید ورود جدی داشته باشیم. مستحضرید که الان در هر مدرسه حداقل باید یک مشاور داشته باشیم. در صورتی که ما الان ما با کمبود مشاور هم مواجه هستیم. معلمان ما در بحث استعدادیابی باید به کمک مشاوران بیایند و به معاونان آموزشی کمک کنند بتوانند استعداد بچه‌ها را بیابند و هدایت تحصیلی خوبی را رقم بزنند.

در بحث ارتباط با فناوری آموزشی، این بچه‌هایی که تحت عنوان گیمر یا یوتیوبر یا استریمر از آنان یاد می‌شود، از خواندن کتاب‌هایی که در دفترهای تألیف می‌نویسیم لذت نمی‌برند. لازم است معلمان ابزارهای دیجیتال را به‌خوبی بشناسند و روی بحث بازی‌سازی اشراف داشته باشند تا بتوانند از بازی‌هایی که بحث تعامل را خیلی جدی پیش می‌برند، استفاده کنند.

دانش‌آموزان ما باید در بحث درس کار و فناوری، فرهنگ و هنر، مقداری جدی‌تر وارد شوند. دانش‌آموزان با انجام دادن یاد می‌گیرند، یا مبتنی بر پروژه یا هر چیز دیگری. معلمان باید سعی کنند شایستگی را به‌طور جدی ببینند. شایستگی یعنی ترکیب دانش، نگرش و مهارت. همه را با هم می‌بینیم. یعنی اگر صرفاً دانش باشد، چندان گره‌گشا نخواهد بود. با توجه به وجود سامانه‌ها و بسترهای متنوع، الان همه‌جا دنبال این هستند که یادگیری را شخصی کنند.

یعنی ممکن است من در زمان یک‌هفته‌ای یک کتاب را به اتمام برسانم و شما در سه



دانش‌آموزانی که از شبکه‌های اجتماعی بیشتر یاد می‌گیرند، وقتی این قبیل شبکه‌ها را تجربه کردند، از آموزش‌های سخنرانی و آموزش‌های یک‌طرفه تقریباً لذت نمی‌برند



روز این کار را انجام دهید. هر کس متناسب با علاقه‌مندی و قوای جسمانی خود این آموزش‌ها را پیش ببرد. بحث شخصی‌سازی آموزشی و شخصی‌سازی یادگیری خیلی اهمیت دارد.

در مورد ارزشیابی، وقتی ما می‌گوییم نسل زد یا آلفا، معلمان دیگر نمی‌توانند در قالب آزمون‌های مدادکاغذی، در زمان‌های طولانی، بچه‌های مردم را بنشانند و بگویند در برگه‌های سؤال پاسخ این سؤال‌ها را بدهید. دانش‌آموزان این نسل، مدت‌زمانی که می‌توانند تمرکز کنند یا بنشینند، ۲۸ دقیقه بیشتر نیست! بعد از آن یا چیزی یادشان نمی‌آید بنویسند. پس ما باید سعی کنیم ارزشیابی را به سمت ارزشیابی عملکردی هدایت و نمره‌های مستمر را به جای نمره‌های پایانی پررنگ کنیم تا بتوانیم اوقات خوبی را برای دانش‌آموزان رقم بزنیم.

### ● با توجه به نکاتی که اشاره کردید، ما معلمان چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان امروز را برای زندگی سالم فردایشان بهتر کمک کنیم؟

مستحضرید که با توجه به مقوله هوش مصنوعی در کشور و جهان، اینکه ما در محتوای مکتوب خیلی اصرار کنیم یا دانش‌آموزان را مجبور کنیم این‌ها را بخوانند یا حفظ کنند و پاسخ بعضی سؤال‌ها را بدهند، چندان جذاب نیست. ضمن اینکه ما الان باید دنبال این باشیم که دانش‌آموزان ما بعضی شایستگی‌ها را به‌طور جدی بیاموزند. مثلاً بحث خودآگاهی، بحث همدلی، روابط بین‌فردی و ارتباط مؤثر.

دانش‌آموزان الان چون سرشان دائم در گوشی است، با خانواده، مدرسه و حتی با هم‌کلاسی‌های خود ارتباط مؤثری ندارند. نهایت ارتباطشان در فضای مجازی است. حتی در پیام‌ها هم با ادبیات بسیار نازل ارتباط برقرار می‌کنند. مدیریت هیجان ندارند و با حل مسئله آشنا نیستند. حتی به نظر خودشان مسائلی ندارند که بخواهند دنبال حل آن‌ها باشند.

الان در مدرسه‌هایمان موقعیت‌های متنوعی داریم که دانش‌آموزان در معرض تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند؛ از شورای دانش‌آموزی گرفته تا مسائل گوناگون، تا پایان متوسطه اول که هدایت تحصیلی می‌شود، دانش‌آموز تصمیم می‌گیرد که رشته ریاضی، تجربی، انسانی یا رشته‌های فنی و حرفه‌ای را انتخاب کند. اینجاست که متوجه می‌شوید دانش‌آموز ما نه تفکر عمیق دارد، نه مطالعه عمیق و نه استعداد خود را می‌شناسد. موضع تصمیم‌گیری موضع خیلی مهمی است و دانش‌آموزان ما باید بدانند هر تصمیمی می‌گیرند، حتماً باید تبعات آن را بپذیرند، نمی‌توانند سال بعد با کمال آرامش،

فشار روانی‌ای که به خودشان و خانواده تحمیل می‌کنند، دنبال تغییر رشته باشند. این است که حتی در مواجهه با معلمان و هم‌کلاسی‌های خودشان، باید بدانند هر گونه رفتار و ادبایی که در پیش می‌گیرند، تبعات آن را هم باید بپذیرند. بحث تفکر بسیار مهم است. در سؤال اول هم گفتم، الان در مدرسه‌ها بین معلمان و دانش‌آموزان تفکر انتقادی و تفکر خلاق نداریم و این باعث می‌شود در آینده دانش‌آموزان ما از حداقل‌های پیام‌های کوتاه که در پیام‌رسان‌ها و جاهای گوناگون دریافت می‌کنند. تحت تأثیر قرار بگیرند و بر اساس آن تحت‌تأثیر قرار گرفتن‌ها، عکس‌العمل نشان دهند.

نکته‌ای که در آخر می‌خواهم اشاره کنم این است که ما به انسان‌هایی نیاز داریم که دنبال یادگیری مادام‌العمر باشند. الان متأسفانه دانش‌آموزان ما دنبال این هستند که دیپلم بگیرند و راهی دانشگاه شوند و به همین ترتیب تا دکترا ادامه دهند، در صورتی که روی حل مسائل مهم جامعه هیچ تأملی نمی‌کنند و برای آن مشکلات و تنگناهایی که خانواده‌ها با آن‌ها دست‌به‌گریبان هستند، مطالعه و یادگیری داشته باشند. یعنی مسیر خود را به بهترین شکل بشناسند و بعد بتوانند از سایر هم‌نوعان گره‌گشایی کنند.

ترتیب تا دکترا ادامه دهند، در صورتی که روی حل مسائل مهم جامعه هیچ تأملی نمی‌کنند و برای آن مشکلات و تنگناهایی که خانواده‌ها با آن‌ها دست‌به‌گریبان هستند، مطالعه و یادگیری داشته باشند. یعنی مسیر خود را به بهترین شکل بشناسند و بعد بتوانند از سایر هم‌نوعان گره‌گشایی کنند.



الان در مدرسه‌هایمان موقعیت‌های متنوعی داریم که دانش‌آموزان در معرض تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند؛ از شورای دانش‌آموزی گرفته تا مسائل گوناگون، تا پایان متوسطه اول که هدایت تحصیلی می‌شود

